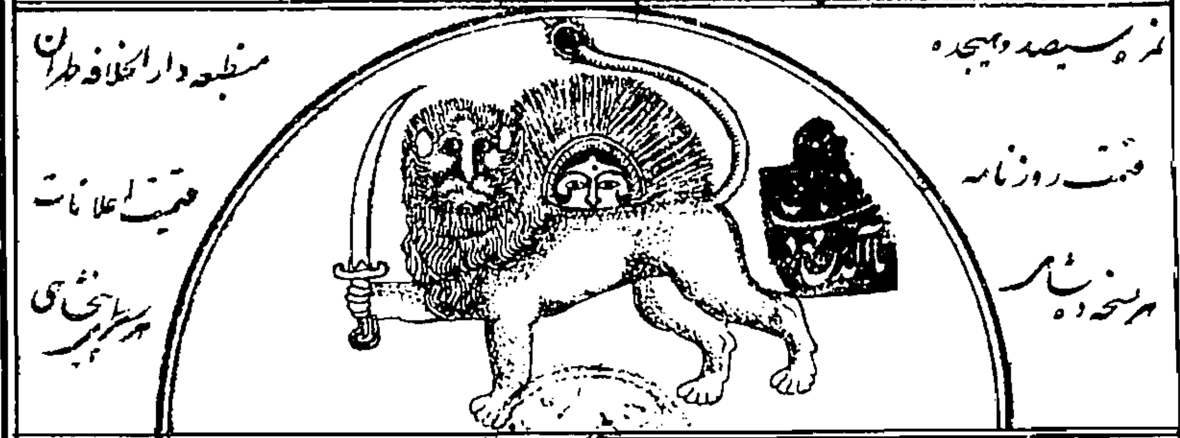
روزنامهٔ وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه هشتم شهر رجب المرجب مطابق سال لوی ئیل سنه ۱۲۷۳

نمره سیصد و سیزده
قیمت روزنامه
هر نسخه ده شاهی

منطبعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
هر سطری یک شاهی



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون جناب فخامت نصاب نظام الملک همواره خاطر اقدس همایون را از حسن خدمات خود خرسند داشته و در رسیدگی محاسبات ولایات و سایر خدمات هیچوقت غفلت و اهمال ننموده خاصه این اوقات که نزدیک عید نوروز و اواخر سال است شبانه روز با مستوفیان عظام اوقات خود را مصروف انجام و اتمام محاسبات ولایات نموده لهذا سرکار اقدس همایون محض ظهور وفور التفات و مرحمت ملوکانه درباره جناب معزی الیه یکثوب لباده ترمه شمسه دار مرصع ملبوس تن مبارک را باقتضای سردی هوا بجناب معزی الیه مرحمت فرمودند

چون میرزا صادق قایم مقام احضار دربار گردون مدار همایون شده برحسب امر قدر قدر اعلیحضرت قضا بسطت شاهنشاهی صان الله ایام شوکته عن التناهی قدیمی فدوی دولت ابد ارتسام مؤتمن السلطان مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام که سابقاً نیز در آذربایجان بود ۲۰۸۹ و با مردم آنجا حسن معاشرت و سلوک خود را بعمل آورده اهالی بلده و بلوک را از حسن سلوک خود راضی داشته بود به پیشکاری کل مملکت آذربایجان اعم از امور قشون و مالیات مأمور و منصوب گردید موازی یکثوب خرقه ترمه آستر خز شمسه مرصع از ملبوس تن مبارک برسم خلعت از جانب سنی الجوانب همایون در حق وی مرحمت گردید

روسا و سرداران افاغنه که در این اوقات بدربار جهان مدار همایون آمده اند از جانب سنی الجوانب ملوکانه بکمال مرحمت و التفات درباره هر یک از آنها مبذول افتاده امنای دولت علیه مقربان حضرت گردون بسطت سنیه نیز نتیجه آنها ضیافتهای سنگین خوب ترتیب داده و آنها را با بعضی از اعیان و اکابر چاکران دربار همایون که قریب بشصت نفر مجلس نشین و قریب چهارصد و پانصد نفر وابسته و متعلق دعوت شدگان می شد در منازل خود مهمانیهای خوب نموده اند و اینگونه ضیافتهای سنگین کمتر در دارالخلافه کمتر اتفاق افتاده بود سرداران افاغنه از این ضیافتها خیلی محظوظ گردیده بودند

سایر ولایات

بسطام و شاهرود

از قراریکه در روزنامه بسطام و شاهرود نوشته اند خبر
اخبار جنگ با قشون انگلیس که بآن ولایت رسیده بود
از اهالی آنجا بقدر هزار نفر مردان کاری داوطلب
جهاد فی سبیل الله و جانفشانی در راه دین و
دولت شده همه با اسباب مکمل و مسلح آمده
تفنگچیان زبده خوب در نزد مقرب الخاقان جانمحمد خان
حاکم آنجا سان داده و مستدعی بوده اند که بعد از
سان عازم دربار جهانمدار شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه
شوند که بهر طرف که مأمور گردند اقدام نمایند ولی
مقرب الخاقان مشار الیه بعد از سان آنها را باوطان
خودشان مرخص کرده است که مهیا و مترصد حکم
اولیای دولت علیه باشند که هر وقت حکم احضار
برسد بدون درنگ حرکت کنند

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلخانی
حاکم استرآباد و بجنورد در بیست و دویم جمادی الثانی
با سواره و جمعیت خود وارد شاهرود گردید مقرب الخاقان
جانمحمد خان لوازم استقبال و احترام را بعمل آورده
تا سه روز که سواره و جمعیت مزبور در آنجا توقف داشته اند
بمراسم مهمانداری و ضیافت پرداخته کمال محبت را
درباره آنها معمول داشت

دیگر نوشته اند که چون مدتی بود که بارندگی در آن ولایت
نشده بود غله و اجناس ترقی کرده و رعایا تشویش گرانی
غله داشتند ولی از تفضلات جناب اقدس الهی از
غره جمادی الثانی الی بیست و دویم بارندگیهای خوب
شده امیدواری تمام بجهة صاحبان املاک و زراعت حاصل
شد و نرخ غله نیز بواسطه این بارندگیها تنزل کرده ارزان
شد

دیگر نوشته اند که امسال ناخوشی در میان گاوها در آن ولایت
افتاده مانند ناخوشی وبا اغلب گاوها ازین ناخوشی تلف
می شوند و بعضی هم که خوب میشوند معالجاتی که دوائی را بطور
معالجه میکردند معالجه میشوند وهمچنین گوزن و شکار کوهی و
آهوی صحرائی بهمین مرض مبتلا گردیده بسیاری تلف شده اند

دیگر نوشته اند که در اواخر ماه جمادی الاول در کوهپایه بسطام
قریب بغروب ستاره بسیار درشتی از سمت مشرق ظاهر شده
و بسمت مغرب کشیده شد بوسط السماء که رسید صدای بسیار
مهیبی ازاو استماع شد بطوری که گویا بیست توپ بزرگ یکدفعه
خالی کردند بعد از آن کشیده شده بسمت مغرب غروب کرد
و نیز در غره شهر جمادی الثانی قریب صبح در سمت غربی قصبه
شاهرود اشخاصی که بجهة مناجات و شب خوانی بالای
بامها رفته بودند روشنائی آتش ملاحظه نمودند که از زمین بسمت
آسمان متصاعد بود و بقسمی روشنائی او تافته بود که همه
قصبه شاهرود و صحرای آن اطراف را مانند روز روشن
کرده بود و این روشنائی تا نیم ساعت امتداد داشت
بعد از آن موقوف گردید و در شب دوم نیز همان وقت
باز روشنائی مزبور از همان سمت مانند شعله آتش بهوا
متصاعد و تا نیم ساعت امتداد یافته اطراف را بطریق
شب سابق روشن کرده بود که همه اهل شاهرود دیده
کردند بعد از آن دیگر ظاهر نشد

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامهٔ کرمانشاهان نوشته اند در قوس و جدی مطلقا بارندگی در آن ولایت نشده و مردم تشویش داشتند که خدا نخواسته گرانی بشود لکن از اول تحویل شمس ببرج دلو تا یکماه باران و برف پیاپی هم در کرمانشاهان و هم در بلوکات و گرمسیرات زیاد آمد بطوری که در اکثر ییلاقات که معابر قوافل و مترددین است راه آمد و شد مسدود شده بود ولی هوا چندان برودت نداشته است خصوصا هوای دارالدوله کرمانشاهان و آن اطراف که در کمال ملایمت و مانند هوای بهار گذشته است بالجمله ازین بارندگی نهایت خرسندی و امیدواری بجهة صاحبان املاک و اهل زراعت حاصل گردیده تشویشی که بجهة خشکسالی داشتند رفع شد

دیگر نوشته اند که امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده والاتبار عمادالدوله حکمران کرمانشاهان قرین انتظام و انضباط است و در نظم ولایت و رفاه و آسودگی سپاهی و رعیت کمال اهتمام را معمول میدارند و امور شهر و محلات منتظم و سرقت و شرارت بسیار بندرت اتفاق می افتد و همچنین طرق و شوارع نهایت امنیت و انتظام را دارد و سواره مستحفظ و قراسوران در راهها بحفظ و حراست مشغولند و زوار و قوافل در نهایت آسودگی و خاطر جمعی عبور و مرور می نمایند

دیگر نوشته اند که نواب معزی الیه بامور نوکر متوقف آن ولایت اعم از افواج نظام یا سواره نهایت دقت و رسیدگی مینمایند و هر روزه دسته دسته از هر صنفی را سان دیده ملاحظه تفنگ و چخماق و اسب و اسباب آنها را نموده هر کدام از هر چیز کسر داشته باشند مقرر داشته اند که درست نمایند و مواجب سرباز و توپچی و غیره را باستحضار عالیجاه میرزا محمد خان نوری غلام پیشخدمت که از دربار همایون مأمور برسیدن سان و مواجب نوکر آنجا بود بکلا پرداخته در سایر لوازم و تدارکات آنها نقصی نیست

دیگر نوشته اند که سوای شش هزار نوکر دیوانی که در کرمانشاهان هستند از اهالی و ایلات آن ولایت چهار هزار نفر سواره و تفنگچی زبده بعزم مقاتله با دشمنان دین مبین و مجاهده با مخالفان دولت ابدآیین خدمت نواب مستطاب عمادالدوله آمده سان دادند و مستدعی اذن و اجازت شدند که بدربار جهانمدار شاهنشاهی آمده بهر طرف مأمور شوند جانبازی نمایند نواب معزی الیه کمال عطوفت و رأفت اولیای دولت علیه را بآنها اظهار داشته مقرر داشتند که در اماکن و اوطان خود ساکن بوده منتظر حکم مجدد از جانب اولیای دولت علیه باشند

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان حاجی محمد خان پیشخدمت خاصهٔ همایون که از جانب سنی الجوانب ملوکانه نذورات و هدایا بجهة روضهٔ متبرکهٔ جناب امیرالمومنین علی ابن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه میبرد وارد کرمانشاهان شده نواب معزی الیه لازمهٔ احترام را دربارهٔ او معمول داشته و در وقت حرکت آدمی مخصوصا از خود همراه او روانه نموده اند که در جمیع منازل مراقب احترام و رعایت جانب مشارالیه باشد و نیز مقرر داشتند که عالیجاه حسن خان سنجابی نیز با بیست نفر سوار قابل تا بغداد با عالیجاه مشارالیه همراهی نماید

هرات

از قراریکه در روزنامهٔ هرات نوشته‌اند عالیجاه مقرب الخاقان
حسین خان که حامل خلاع و نشان بجهة نواب مستطاب شاهزادهٔ
والاتبار حسام السلطنه حکمران مملکت خراسان و سایر سرکردگان و
صاحب منصبان عساکر منصورهٔ هرات از دربار جهان مدار
همایون بود در هفدهم جمادی الاول بآنجا رسیده نواب
معزّی الیه بجهة توقیر و احترام خلاع آفتاب شعاع خود و مقرب الخاقان
قوام الدوله و سایر روسا و سرکردگان سپاه تا یکفرسخ باستقبال شتافته
بعد از لوازم توقیر و احترام بباغ شاه که در بیرون شهر هرات است
آمده‌اند و در آنجا خلعت پوشان نموده و خلاع سرکردگان و صاحب منصبان
عساکر منصوره و اهالی و اعیان هرات را هم که از دربار همایون
مصحوب مقرب الخاقان مشارالیه مرحمت و در روزنامهٔ آن دولت
مفصلاً نوشته شده بود بهر یک داده زیب پیکر مفاخرت
و مباهات نمودند و اجرای شلیک توپ گردیده فرمان
مهرلمعان مبارک که از مصدر سلطنت عظمی بافتخار نواب معزّی الیه
و عساکر منصوره و اهالی هرات شرف صدور یافته بود در آن
مجمع که همگی حضور داشتند باواز بلند خوانده شده مراتب رأفت
و عنایت سرکار اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه
در حق رعیت و سپاهی گوشزد خاص و عام گردیده همگی متفقاً
بدعاگوئی وجود فایض الجود ملوکانه صدا بلند نمودند بعد از صرف
شربت و شیرینی و شیلان حوالی عصر نواب شاهزاده بارک
مراجعت نمودند و سایر اهل اسلام هم برودوش را بخلاع آفتاب
شعاع و نشانهای درخشان زیب و زینت داده در کمال شعف
و شادمانی بمنازل و اماکن خود مراجعت نمودند

دیگر نوشته‌اند که نواب مستطاب حسام السلطنه بعالیجاه میرزا محمد حسین
مستوفی هرات حکم نمودند که نوکرهای قدیمی آن ولایت را از قبیل طایفهٔ
فارسی از جماعت افشار و روریشوند و شاملو و جامی و شمسوند و دیگر
وغیره همه را مشخص و حاضر نمایند که قرار مواجب آنها را داده داخل
عساکر نظام نمایند عالیجاه مشارالیه هم آنها را مشخص نموده روز بروز
دسته دسته را خدمت نواب شاهزاده آورده سان میدیدند و کارگذاران
نواب معزّی الیه ثبت دفتر می‌نمایند از جمله از طایفهٔ فارسی امیر
عباس خان و سرتیپ حیدر قلیخان و از طایفهٔ افغان سرتیپ
ملکم خان که از طایفهٔ بابوری و در بیرون شهر قبل از فتح هرات
مصدر خدمات شده بود سان دادند و در این روزها قرار
مواجب و تفنگ سربازی و ملبوس آنها داده خواهد شد که داخل
عساکر حضرت اعلیحضرت شاهنشاهی ایدالله جیشه گردند مشغول خدمت باشند
و هم‌چنین بعالیجاه میرزا محمد حسین مستوفی و مباشرین که سررشته داران دیوان
حکم شد که صورت داد و ستد و جمع دیوانی هرات را از بلده و
بلوکات بقراریکه در ایام مرحوم یار محمد خان ظهیرالدوله بسته شده
بود باتفاق عالیجاه میرزا محمد رضای مستوفی و کارگذاران نواب
معزّی الیه مشخص نمایند و مواجب و مرسوماتی هم که از آن اوقات
در حق هرکس از اهالی آنجا معین و برقرار بود مشخص کنند تا حکم
آن از جانب نواب معزّی الیه شده از قرار معمول داده شود و نیز
حسب الحکم نواب معزّی الیه جار کشیدند که کوچه و بازار را همیشه
پاکیزه و تمیز نمایند و هرکس در خانه و حد و خود در صبح و عصر جاروب
نماید که پاکیزه باشد و نیز حسب الحکم جار کشیده شد که ملاهی و
مناهی بکلی موقوف و ممنوع باشد و چند نفر زنهای فاحشه که
در شهر بودند همگی را از شهر اخراج کرده تا پنج فرسخ بیرون
شهر برده سپرده از اهالی آنجا التزام گرفتند که آنها را از آنجا
هم دور کرده قدغن نمایند که دیگر بهرات نیایند

۲۰۹۲

اخبار دول خارجه

ازقراریکه نوشته اند در پاریس چون آب گوارای خوب موافق مطلوب یافت نمی شد و گذشته از بی آبی اهالی پاریس دچار اضطراب می شدند بجهة دفع این فقره دو سال قبل ازین یک قومپانیهٔ بزرگ ترتیب و تشکیل داده با اسباب خوبی آهنی که از زیر زمین میسازند در جوار پاریس در محل پاسی نام بکندن چاه مبادرت کرده بودند از آن وقت تا کنون از پانصد ذرع متجاوز زمین حفر کرده اند گذشته از اینکه آبی که در آن مدت موافق مطلوب نیست کفایت جمعیت را نیز نمی کند قرار گذاشته اند تا صد و پنجاه ذرع دیگر نیز حفر نمایند چون حباب کرهٔ زیر پاریس بحر اتلنتیک بزرگ باید باشد اگر چه این یکصد و پنجاه ذرع را نیز خواهند کند ولی دور نیست که آبی که از او بیرون بیاید آب بحر اتلنتیک بزرگ باشد و بجهة تلخی بکار نخورد

چنانچه در روزنامهای سابق نیز نوشته بودند برحسب تعهد دول فرانسه و روس و انگلیس از جانب دولت یونان سابقاً از صرافان انگلیس وجهی قرض شده بود بجهة کمی مالیات یونان ادای این قرض مقدور دولت یونان نشده بود سهل است که از نفع این تنخواه نیز چیزی ممکن نشده بود بدهد بجهة اصرار صرافان مزبور در مطالبه طلب خود چهار سال قبل ازین نفع تنخواه مزبور از جانب دولتین روس و فرانسه داده شده و چون کمی مالیات یونان بدرجهٔ کمال رسیده است بجهة ندادن نفع این پول در این سال از جانب دولت یونان تذکرهٔ رسمیه نوشته شده در این اوقات از جانب دول مزبوره مأمورین معین و در آن پای تخت یونان یک قومسیون ترتیب داده میشود که وارد و مصارف دولت مزبوره را حساب و امور مالیات آنجا را تصحیح و اصلاح نمایند

دوازده سال قبل ازین از جانب دولت فرانسه موسیو لغرنه نام بماموریت بچین رفته بود در این اوقات مشارالیه باز بسفارت مخصوصه قرار شده است بچین برود و بجهة تحصیل فنون و صنایع از هنروران فرانسه هم چند نفر همراه مشارالیه روانه خواهند شد

در نوزدهم ماه ربیع الثانی از صاحب منصبان عساکر دولت ناپولی توپخانه در جائی که باروط بوده است دو نفر رفته گردش میکردند تخمیناً دو سه خروار باروط که در آنجا بوده است آتش گرفته چون روز تعطیل بوده و از عمله جات کسی در آنجا نبوده است فقط همان دو نفر صاحب منصب با ده نفر دیگر که در آنجا بودند تلف شدند

در روزنامه ماه فرانسه نوشته اند که نایب الایالهٔ مصر بنا داشته است که بطرف جنوب ولایت مصر سفر نماید بجهة رسیدگی امور ولایت و رعیت زیرا که مذکور بوده است که حکام آنجاها بر رعایا ظلم و تعدی می نمایند لهذا اراده دارد که رفته آنجاها را نظم داده مراجعت نماید

دیگر نوشته اند که عدد اشخاصی که در راههای آهن فرانسه مباشر و مزدورند از سی و دو هزار نفر زیادتر هستند و چون راههای زیادتر ساخته میشود تا هشتاد هزار نفر خواهند رسید از جمله بعضی مخارج که در راه آهن شده است این است که پلی در بالای رودخانه رون که تقریباً سیصد و پنجاه ذرع طول آن است ساخته اند و یک کرور خرج آن شده است و چند پل در رودهای دیگر ساخته اند که در هر یک تقریباً دو هزار تومان مخارج شده و یک راه دیگر از میان کوه کنده شده از شهر لیون تا پاریس که چهار هزار ذرع طول آن است و قریب دو کرور در آن راه خرج کرده اند

۲۰۹۳

دیگر نوشته اند که راه آهنی از شهر اوستون بشهر باسیلز ساخته اند که چهار هزار و چهار صد ذرع طول دارد و تخمیناً دو کرور و نیم خرج آن شده است

دیگر نوشته اند که امپراطور اطریش بقدر هشتاد نفر از مقصرین را که در شورش ولایات اغتشاش کرده بودند در این اوقات تقصیر آنها را بخشیده و املاک ایشان رد کرده است

در روزنامه یونان نوشته اند که چند وقت پیش از این در محل لواد... نام بقدر چهل نفر از عابرین سیر رفته اند جمعی قطاع الطریق بر سر آنها ریخته همه را برهنه کرده بودند حتی هفت نفر از آنها را گوش و بینی بریده بودند و بجهة انتشار این اخبار عبور و مرور باز بمملکت یونان مشکل شده است بجهة دفع مضرت این دزدان از جانب دولت یونان زیاده اهتمام شده چند وقت پیش از این سیزده نفر دزد گرفته شد و نفر آنها را حبس و زنجیر نموده و یازده نفر دیگر را بقتل رسانیده بودند ۲۰۹۴

اردوگاه و محل اجتماع عساکر دولت روس تا کنون شهر مسقو بود اعلیحضرت امپراطور روس بعد از جلوس خود قرار داده است که محل اجتماع اردوی دولت روس از آنجا برداشته شده در شهر حر قوف نام که مابین مسقو و خوجه بیک است مقر اردوی عساکر باشد

بجهة استخدام در خدمات عسکریه فرانسه سابقاً از جانب دولت روس بقدر صد نفر صاحب منصب فرستاده بودند بعد از آن بجهة خدمات بحریه چند نفر صاحب منصب دیگر فرستاده شده و دولت فرانسه نیز در این باب سر رضا جنبانده در این اوقات امپراطور روس بعموم صاحب منصبان اذن داده است که هر کدام بخواهند در سلک خدمت عسکریه دولت فرانسه در آیند با مواجبی که دارند چیزی هم مساعدة بآنها داده خواهد شد

دیگر نوشته اند که دو نفر از اعضای مجلس دولت ناپولی چند وقت پیش از این مبنی ببعضی اسباب ترک مأموریت کرده و به ... و قراء ما بین شهرهای مالرو و مسینه که در جزیره سیسیلیا واقع اند رفته اهالی آنجاها را تحریک بیاغیگری نموده و آنها نیز رفع لوای عصیان بدولت ناپولی نمودند و موخراً این حالت باهالی آن دو شهر نیز سرایت کرده و اهالی قراء مذکوره نیز دو فرقه شده فرقه یاغیان بشهرهای مزبور هجوم آورده این کیفیت را پادشاه ناپولی که مستحضر شد مقدار وافی قشون بآنجا فرستاده و با اهالی مرقومه یک مدتی حرب کرده بقدر دویست نفر از آنها تلف و بعضی دیگر نیز گرفته شده بجانب ناپولی ارسال شدند و بجهة گرفتن آن دو نفر مفسد که از اجزای مجلس بودند و در آنجا محرک این شورش و مایه اغتشاش شده بودند از جانب دولت ناپولی زیاد اهتمام شده ولی فرار کرده بدست نیامدند

دیگر نوشته اند که یک کشتی بخار پوسته فرانسه در نزدیکی فراغای مالته شبانه بیک کشتی شراع دار یونان برخورده از شدت تلاصق آنها بیکدیگر کشتی شراع دار زیاده شکسته و فی الفور غرق گردید و اهالی آن همگی بکشتی بخار پوسته در آمده مگر یک نفر از آنها که تلف شده بود

دیگر نوشته اند که یک کشتی پوسته فرانسه از مصر بمارسلیا میرفته است در بندرگاه تونس شکسته شده پاشای تونس کشتی بخاری فرستاده آن کشتی را بلنگرگاه آورده و اهالی را که در کشتی بودند بمارسلیا روانه کرده است